



## دنيا با اطلاعاتي كه رسانه‌هاي آمريكايي پخش مي‌كنند، مخالف است

يك سناتور آمريكايي در مقاله‌اي رسانه‌ها را ابزارهاي مهم ديپلماسي عمومي خواند و تأكيد كرد كه رساله‌هاي كه اطلاعات را از امواج راديويي و تلويزيوني آمريكا دريافت مي‌كنند، اغلب با اين اطلاعات مخالفند.

يك سناتور آمريكايي در مقاله‌اي رسانه‌ها را ابزارهاي مهم ديپلماسي عمومي خواند و تأكيد كرد كه رساله‌هاي كه اطلاعات را از امواج راديويي و تلويزيوني آمريكا دريافت مي‌كنند، اغلب با اين اطلاعات مخالفند.

به گزارش خبرنگار ديپلماسي عمومي خبرگزار فارسي، "ريچارد ج. لوگر" (RICHARD G. LUGAR) سناتور با نفوذ آمريكايي در اين مقاله كه در نشریه آمريكايي "فارين سرويس ژورنال" (Foreign Service Journal) منتشر شده به بررسي برنامه‌هاي دولت آمريكا در خصوص ديپلماسي عمومي پرداخته است.

وي در آغاز مخاطبان ديپلماسي عمومي ايالات متحده را به دو دسته تقسيم کرده و مي‌نويسد: آمريكا هميشه دو مخاطب داشته است، يك مخاطب نگاه مثبتي به آمريكا دارد و آن را يك دموكراسي بر مبناي آزادي جريان اطلاعات، آزادي بيان، گفت‌وگوي مدني و شركت فعال شهروندان در حكومت تلقي مي‌كند كه اين گروه معمولاً حماي اقدامات و برنامه‌هاي آمريكا هستند، يا حداقل قضاوت منصفانه‌اي در مورد آن‌ها دارند.

در ادامه اين مقاله آمده است: در مقابل، اعضاي گروه دوم معتقدند كه اين نقاط قوت در واقع ضعف هستند و معمولاً بدترين تصورها را در مورد آمريكا دارند؛ در نتيجه آن‌ها ما را رد مي‌كنند يا از آن بدتر، به ما حمله مي‌كنند، ديپلماسي عمومي موفق گروه اول را درگير ننگه مي‌دارد و تعداد آن‌را افزايش مي‌دهد، در حالي‌كه اندازه و تاثير گروه دوم را کاهش مي‌دهد، تاثيرگذاري بر هر دوي اين گروه‌ها نه تنها از اقدامات، تصويرها و سخنان کشور خود ما منبعت مي‌شود، بلكه همچنين از رقابت کشورهای ديگري كه منافع آن‌ها ممكن است موافق يا مخالف منافع ما باشد، نشات مي‌گيرد.

پيشرفت‌هاي تكنولوژيكي مخاطبان ديپلماسي عمومي را افزايش داده است

لوگر در ادامه اين مقاله يادآور شد: سخن‌پراكني بين‌المللي، كه يك ابزار مهم براي ارتباط با اين مخاطبان است، زماني فقط به معنای پخش با امواج کوتاه براي مخالفاني بود كه شب هنگام، دور راديوهاي خود جمع مي‌شدند، پيشرفت‌هاي تكنولوژيكي اخير و رشد استانداردهاي زندگي به انفجار واقعي مجاري ارتباطاتي، از راديويي FM تا تلويزيون، اينترنت، رسانه‌هاي اجتماعي و تلفن‌هاي همراه منجر شده است. همه اين پيشرفت‌ها، مخاطبان بالقوه را افزايش داده است، اما در عين حال توانايي و بودجه شركت‌هاي رسانه‌اي ما محدود شده است.

به نوشته لوگر، ماموريت سخن‌پراكني آمريكا طی دو دهه گذشته به طور چشم‌گيري گسترش يافته است. صداي آمريكا در ابتدا بخشي از "دفتر اطلاع‌رساني جنگ" (Office of War Information) بود و سپس در سال 1945 به وزارت خارجه منتقل شد. در سال 1953 به "آژانس اطلاع‌رساني آمريكا" (U.S. Information Agency) منتقل شد و نزديك به نيم قرن در آن باقي ماند. در سال 1999 هنگامی‌كه USIA در وزارت خارجه ادغام گرديد، VOA و "ايستگاه‌هاي جانشين" (Surrogate stations) زير نظر BBG در داخل USIA قرار گرفتند، كه از سال 1995 ناظر فعاليت‌هاي سخن‌پراكني آمريكا بود. سپس اين كميته و تمامي واحدهاي آن به يك نهاد مستقل تبديل شدند.

كشورها معمولاً با اطلاعاتي كه ايالات متحده پخش مي‌كند، مخالفند

وي با بيان اينكه ويژه "جانشين‌ها" اين است كه شنوندگان را در كره‌هايي كه با محدوديت آزادي مطبوعات مواجه هستند، از اخبار کشور خود و منطقه آگاه سازند، اعتراف کرده است: حكومت‌هاي كره‌هايي كه اين امواج را دريافت مي‌كنند اغلب با اين اطلاعات مخالفند و ميليون‌ها دلار را صرف مسدود كردن برنامه‌هاي راديو-تلويزيوني و اينترنتي مي‌كنند.

اين سناتور آمريكايي بدون اينكه توضيح دهد چرا دولت‌ها با پخش اين اطلاعات در كره‌شان مخالفند، ادعا كرد: در مقابل، صداي آمريكا به موجب قانون عمومي 350-94 از سوي سنا ويژه دارد "نمايندگي آمريكا را داشته باشد، نه فقط يك بخش از جامعه آمريكا، بنابراين VOA تصويري متعادل و جامع از اندیشه آمريكايي را ارائه خواهد داد و سياست‌هاي آمريكا را به روشني و به طور موثر به تصوير خواهد كشيد."

لوگر با بيان اينكه "مقر اصلي VOA در "واشنگتن دي سي" است و تاسيسات پخش آن در سراسر دنيا پراكنده شده‌اند"، افزوده است: RFE/RL، واقع در پراگ، در حال حاضر براي 21 کشور به 28 زبان برنامه پخش مي‌كند. دامنه پخش آن اکنون خيلي بيشتري است.

ریشه‌های پرده آهنین آن (اشاره به دوران جنگ سرد) است و برای کشورهای ایران و عراق (از سال 1998)، افغانستان (2002) و منطقه مرزی پاکستان (2010) برنامه پخش می‌کند.

این سناتور در ادامه مقاله خود نوشته است: قانون عمومی 98-111، با نام پخش رادیویی برای کوبا، در سال 1983 رادیو "مارتی" (Mart?) را به عنوان یک ایستگاه جانشین ایجاد کرد که از تمامی برنامه‌های VOA برای کوبا متمایز است. رادیو مارتی در سال 1985 روی آنتن رفت، و تلویزیون مارتی کار خود را در سال 1990 آغاز کرد. هر دوی این سرویس‌ها در حال حاضر در میامی واقع هستند.

سناتور لوگر در ادامه افزوده است: رادیو آسیای آزاد، واقع در واشنگتن دی‌سی، در سال 1994 به موجب قانون عمومی 103-226 راه‌اندازی شد و پخش برنامه‌های خود را از سال 1997 آغاز کرد. این رادیو در حال حاضر برای کشورهای برمه، کامبوج، چین، لائوس، کره شمالی، تبت و ویتنام پخش می‌کند. شرکت شبکه‌های سخن‌پراکنی خاورمیانه، واقع در "اسپرینگفیلد" (Springfield) ایالت ویرجینیا، شامل تلویزیون "الحریه" (Alhurra) و رادیو "ساوا" (Sawa) می‌شود. (رادیو ساوا از 23 مارس 2004 شروع به پخش 24 ساعته کرد و الحریه پخش خود را از 14 فوریه 2004 شروع کرد)

فایروال یا فوتبال؟

لوگر در این فراز از مقاله به معرفی سازمان BBG پرداخته و می‌نویسد: کنگره، BBG را در سال 1994، هنگامی که USIA هنوز وجود داشت، تشکیل داد تا بر فعالیت‌های صدای آمریکا و ایستگاه‌های جانشین نظارت کند. کمیته اول در 11 آگوست 1995 تحلیل شد. هدف ایجاد یک سازمان مستقل به عنوان یک حائل دوحزبی در مقابل دخالت‌های سیاسی و حصول اطمینان از بی‌طرفی و تعادل تولیدات بود.

در ادامه این مقاله آمده است: به طوری که "مارک ناتانسون"، (Marc Nathanson) رئیس وقت BBG در سال 2001 گفت "مسئولیت ما این است که هم اینجا در واشنگتن و هم در خارج از کشور، به عنوان یک حائل میان پخش‌کنندگان بین‌المللی و نهادهای سیاست‌گذاری در جامعه امور خارجی عمل کنیم، این مسئولیتی است که ما آن را بسیار جدی می‌گیریم زیرا در نهایت، تنها با ارائه اخبار و اطلاعات درست - که مردم سراسر دنیا به دنبال آن هستند - است که می‌توانیم اعتبار خود را به دست آورده و آن را حفظ کنیم."

وی تصریح کرده است که با این وجود، مشخص شد که نگه داشتن BBG در اوج توانایی و عملکرد خود، در خوشبینانه‌ترین حالت مشکل است، این کمیته تنها در 6 سال از 15 سال فعالیت خود تکمیل بوده، و از سال 2004 تا 2010 به طور مداوم چندین جای خالی داشته است. قبل از تایید کمیته جدید در تابستان امسال، این کمیته تنها 4 عضو داشت (2 دموکرات و 2 جمهوری‌خواه)، که هر یک از آن‌ها از سال 2002 در خدمت بوده‌اند. با اینکه این مدت خیلی بیشتر از دوره رسمی سه ساله بود، اما اعضای BBG بر اساس قانون تا زمانی که جایگزین گردند می‌توانند خدمت کنند.

این سناتور آمریکایی با بیان اینکه "برای چندین سال سیاست‌های حزبی، این فایروال سیاسی را به یک فوتبال سیاسی تبدیل کرده بودند"، یادآور شده است: تحلیل کمیته نشان داد که تا تاریخ می 2010، میانگین خالی بودن یک مسند کمیته بیش از 460 روز بوده است و یکی از مسندها برای بیش از 4 سال خالی بوده است.

وی افزوده است: این کمیته از ماه ژانویه 2008، که "جیمز گلاسمن" (James Glassman) از پر کردن مسند خالی "کارن هیوز" (Karen Hughes) به عنوان معاون دیپلماسی عمومی وزارت خارجه خودداری کرد، رئیس نداشته است، وی جایگزین نشد و دولت اواما تا نوامبر 2009 رسماً نامزدهایی را برای کمیته جدید معرفی نکرد، هفت ماه نیز به خاطر اقدام سنا تلف شد. وقفه‌ای طولانی بین انتخابات ریاست‌جمهوری و تحلیل اعضای جدید، این کمیته را رسماً لنگ در هوا نگه داشت و مانع از آن شد که در مورد مسایل فنی و ژئوپولیتیکی بی‌شماری که پیش رو داشت کاری صورت دهد. کسانی هم که از دور قبل در کمیته حضور داشتند، با توجه به معرفی اعضای جدید، به طور قابل درکی نسبت به پرداختن به چنین موضوعاتی بی‌تمایل بودند.

لوگر فقدان هدایت و بلا تکلیفی بر سر رهبری را مشکل BBG دانسته و تصریح می‌کند که به این خاطر روحیه کارکنان این کمیته به شدت تضعیف شده است، نظرسنجی از کارکنان فدرال 37 سازمان در سال 2008 نشان داد که BBG در شاخص‌های رهبری و مدیریت دانش، فرهنگ عملکرد نتیجه‌گرا و مدیریت استعداد، در جایگاه آخر و در رضایت شغلی در جایگاه یکی مانده به آخر قرار دارد. موضوع تکان‌دهنده‌تر شاید این باشد که نتایج همین نظرسنجی در سال 2006 نیز مشابه همین بود.

این سناتور آمریکایی در ادامه مقاله خود یادآور شده است: اکنون که بالاخره یک کمیته کامل تشکیل شده امیدوارم که آقای ایزاکسون

و همکارانش در پی‌گیری موضوعات بسیاری که در برنامه کاری BBG به تعویق افتاده‌اند، نهایت تلاش خود را به کار گیرند، اما اداره یک شبکه چندرسانه‌ای با گستره جهانی، با سوء عملکرد در رأس هرگز به جایی نخواهد رسید.

وی توصیه می‌کند که کنگره باید مراقب باشد و چنانچه این روند خالی بودن مسندهای کمیته و تاییدهای با تاخیر ادامه پیدا کند، شاید مجبور شویم به فکر ساختاری جدید برای نظارت بر پخش‌کنندگان بین‌المللی خود باشیم تا این ابزار مهم دیپلماسی عمومی آن مدیریت و نظارت استواری را که شایسته آن است به دست بیاورد.

این سناتور آمریکایی در پایان بخش دوم مقاله خود با اشاره به اینکه یکی از موضوعات پیش‌روی کمیته جدید محدودیت‌های موجود در راه دسترسی پخش‌کنندگان آمریکایی به مخاطبان مطلوب خود است، خاطرنشان کرده است: بعضی وقت‌ها علت این امر شلویی بازارهای رسانه‌ای در جایی مثل خاورمیانه است که صدای ما در بین آن‌ها گم می‌شود، بعضی وقت‌ها هم صدای ما را خفه یا منکوب می‌کنند همانند چین و روسیه که با استفاده از تهدید و ارباب از پخش برنامه‌های آمریکا توسط رسانه‌های محلی جلوگیری می‌کنند یا از تکنولوژی‌های پیشرفته برای بستن ماهواره‌ها، پارازیت انداختن در رادیوها یا مسدود کردن سایت‌های اینترنتی استفاده می‌کنند.